

## خشونت وبرداشتهایدورازهم



امروزه بشــر ناظر انواع خشونت در ابعاد مختلف است و جای تاسف این جاست که گاهی تنها نقش تماشاچی را بازی می کند کاهی تهنا فتنی تماناچی را بازی می کند راهکاری را برای کاهشی آن نیدرد یکی از این خشونت هاه خشونت در خانواده است. البته خشونت در خانواده سالهای نیست که بتوان با آن مقابله کرد: من بــا شـــوه مقابله کرد بــا برخی چده های اجتماعی از ریشه خانافت حدید داده مدر سخته خانافت

و عاطفی نمی شود مقابله کرد ولی می توان

آن را مدیریت کرد. مدیریت کردن ایس مساله به ایس معناست که ما باید با حق و حقوق انسانی چه مرد و چه زن آشـنا شـویم، البته باید تأکید داشت که همیشـه خشونت، عملی یست که مرد علیه زن اعمال کُند، گاه<sub>ی</sub> ــونت توسـط زنان نســبت به مردان اعمال میشود؛ خشونت زنان نرمتر است و درمقابل خشونت مردان فیزیکی تر و خشن تر.

ت این است ما با انواع خشونت در خانوادهها روبهرو هستيم؛ خشونت پدر نسبت به فرزند، خشونت مادر علیه فرزندان، خشونت فرزندان نسبت به مادر

با این تعریف و توضیح، با این برداشت که در جامعهٔ مــاً جاً افتاده و خشــونت در ر . . . خانواده را تنها خشونت مردان علیه زنان میداند، مخالف هستم؛ چون این امکان و وجود دارد که فرزند نسبت به پدر و مادر خود خشـونت داشــته باشــد، البتــه این ت خشونت تنها فیزیکی نیست و می تواند رفتار و کلامی باشد که نباید در برابر اولیا به کار برود. مسأله مهم در این زمینه این است که ما در خانوادههایمان، فرزندان خود را انساني تربيت كنيم تا آنها مجبور نباشــند از ابزارهای غیرانســانی علیه هم اســتفاده کنند، البته باید ایــن موضوع را متذکر شد که بخشی از این مسأله حقوقی

گویای خشونت زنان علیه مردان هستند؛ برخی زنان، مردان را بهجایی میرسانند کمه نمی توانند بهطور لفظی، ادبی یا عاطفی عکس العمل نشان دهند در نتیجا عکس العمل فیزیکی نشان میدهند. مــا بــرای کاهــش چنیــن مســائلی

ی توانیــم از راه مقابلــه وارد شــویم و راهکار این است که مردم کشــورمان را با اُدبیات دیگری آشنا و تربیت کنیم تا اُنها در شرایط و موقعیتهای متفاوت بدانند که باید انسـانی، اخلاقی، حقوقی و قانونی

یں خشــونت به خــرج میدهند، بــه عوامل متعددی بازمی گردد اما بهنظر من، ریشـــه اصلی بیشــُتر این گونه رفتارها این اُسـت که ما باید نسبت به همنوعان خود نگاهی انسانی داشته باشیم و دیگران را هُم انسان

ِس صيم. اين انســان فرض كردن طــرف مقابل، مبنایی تربیتی، انسانی، اخلاقی است که از فلسفه زندگی انسانها استخراج می شود. به عنوان مثال، مگر تذکر در زمینه اسیدپاشی یا اجرای احکام قضایی برای برخی جرایم، مشکلات و معضلات ينچنيني را كاهش داده است؟!

ادامه در صفحه ۱۰









برای خودمان است)، باید فراموشیای عمیق را از

بری موسط میسید. بید مرسی سیمی سیمی را جان خود بشوییم فراموشی ای درباره ۱۹ رمضان؛ این که اساسااین روز گرامیداشت: علی (ع)برای چه؟ ۱۹ رمضان یک شهیدداشت؛ علی (ع)برای چه؟

برای «عدالت»؛ «عدالت»اش چنان معروف بود و هســت که پیروان ادیان دیگر هم آنِ راِ میدانند.

مگر جرق جرداُق مسيحي نگفت: «قُتِلَ عَلِيَّ فِي مِحْزَابِ عِبَادَتِهِ لِشِــدَّةَ عَدْلِــهِ»؛ على را در محراب

عادتش كشتند، به خاط شدت عدالتش على (ع) به می است. شهید عدالت بود و هست. عدالتی که گاهی به رغم تلاشهایی که برای گســترش آن میشود، هنوز

عنصــر مفقوده در جامعه ماســت و بیشــُـتر از آن عنصر مفقوده جهـان امروز. عدالتــی که به طرق

مختلف هلاک می شـود و نمونه های آن در شعاع چندمتری ما به وفور دیده می شود. همین چندی

پیش بود که در شبکه های مجازی عکس کود کی را

پ. ب.ر. گذاشته بودند و روایت این بود که از او پرسیدهاند: ایرانیای، ترک یا کرد؟ جواب آن کودک اما از همه

جانکداز تر است. پاسخ سه ندمه بیستر بیست.... کلمهای که زیر زرق و بــرق زندگی این روزهای ما گم شده است؛ زیر «تباشت» زیر ..؛ دختر ک پاسخ

داد:من گرسـنه هستم!عدالتَ عنصر مفُقوده این

جانگداز تر است. پاسخ سه کلمه بیشتر نی

می میوزد و باز بامــداد ۱۹ رمضــان فرا

است که هنگامه عمل، باد آنها را با خود می برد و ما باز دوباره «آن کار دیگر می کنیم».

خداگویُههایی کهداریم(وٰهمُه آنهَابیشُازهُرچیزُ

می رسد چشم بر هم زدنی، موسمی رسیده و باز، می گذرد. گویا عادت هر روزه و همیشـه ماسـت؛ فراموشــی! ۱۹ رمضان که می رســد، «یاد»، چند روزیُ سایه خودرا بسر ذهن و هم بسر جامعهٔ ما، مهافکند و بعد گویا فراموشسمان می شود که چه بوده، چه شده و چه گذشته است.

ُ ۱۹ رَمضانُ که میشود، «یاد»، دوباره بر ذهن هامان حک میشود اما گویا چنان نیست که تمام سال مان را پر كند گويا چنان نيست كه بتواند خودراباما،به هُرطُرف بكشّانداشكال اما كجاست؟ شأيد ذهنهاى مادر دنيايي كه حالابه صفت مدرن متصف شده، در گیری هایی از نوع دیگر پیدا کرده است؛ در گیری هایی که بیش از همه، در «انباشت» خلاصه می شود. «آنباشـت» برای چه، برای که؟ به احتمال خودمان هم نمی دانیم. پای ادعا که پیش می آید این گزاره که «یاد» بر ذهن و جان ما ہ۔ تی ہی ۔ ۔۔ مستولی اســت و رفتارمان را در می نوردد، بیش از هر چیز نمودمی یابد، اما گویااینها یک مشت حرف

## شهيدعدالت

روزهای ماست. مسئولی که امکانات را به قرین رری خویشاوندی و دوستی، سههیندی می کند، ثروتمندی که بی توجه به اطراف، «نباشت» می کندو به همان میزان «گرسنگی» را افزون؛ در مسیر «عُدالت» پای نمّی گذارد. جالب اُین جُاستُ به کرات درباره بی «عدالت»ی حرف زده شده و از قضا (چه آن مسئولي که به نسبت خويشاوندي و دوستی امکانات تسهیم می کند و چه اُن تُروتمند که انباشت را ســر لوحه کار خود دارد) همه خود را

متصفبه صفت عادل مى دانند. ستنته بحصت فان المحاصدة و منطقة المحاصدة و بود، تمام شرایط کمک و سهم خواهی بیشتر از بیتالمال را داشت، به علی (ع) مراجعه کرد تا سهم بیت بهان را داشت. به طبی دری سراجته کرد دسم. بیشتری از بیت المال به او داده شود. عقیل سومی ... پسر ابوطالب بود؛ در کودکی کور شد. همین عامل باعث تهیدســـتی وی شــده بود و به علاوه مردی بت چیدستی وی مسترک برو به طرورسردی عیال وار و در عین حال مرد گشاده دست و میهمان نوازی هم بود. در حکومت برادر، خشنود از این بود که از مال دنیا توانگر خواهد شد. در خواست عقیل از

ملی(ع)این بود که یک صاع (۳ کیلو) گندم افزون تر بران به او بدهـد واکنش «عـ ار دیستران به و رابه است. و بعض در خواست که از نظر اهالی امروز بسیار بجاوطبیعی هم می نمود، چه بود؟ دیگر همه می دانند علی(ع) آهنی را به آتش سرخ کردوبر خلاف انتظار عقیل در مقابل تمناو در خواست او، آهن گداخته را جلو بر دو فرمود:ای عقیل این است عطای تو، عقیل دستش ادراز کردتاعطای علی (ع)رابگیردو... ر ر ر ر ک کی کرد. پر - رہ۔ علسی(ع) درہـــارہ این ماجـــرا خطابـــهای ایراد

فرموده که ترجمه مختصری از آن را از نهجالبلاغه ر را را که به به خدا اگر بستر آسایش من بر خارهای جانگزای بیابان گذاشته شود، اگر دست و پایم را در پیچ و خم زنجیر بیپچند و مرابه خار و خس صحرا بسته بکشانند، بیشتر دوست می دارم تاروز رستاخیز در پیشگاه عدالت الهی در صف - روزر حسد - بیر عربیست - حدد جهی عرب ستمکاران قرار گیرم.. سرانجام به گودال گور فرو خواهیمغلتید..باچنین عاقبت کجاسزاوار است که ر یشه ستم به پیش گیریم...او چنین پُنداشته بود که دین مرا خواهد ربود و زمام مرا به مشت خواهد گرفت و در این هنگام آهن پارهای را در دل آتش به رنگ آتش درآوردم و آن فلز تفتیده را به مشــتش گذاشتم، چنان فریاد کشید که پنداشتم هم اکنون سراپاشعله ورخواهدشد،امامن در پاسخ این فریاد دردناک گفتم:درعزای توبنالندعقیل، توازاین پاره هن که با دسـت آدمیزادهای به بازیچه داغ شده، مىخروشىومنبر أتشى كەغضبالھىبەلھىبس در آور دەپرديار بمائو...

ساعته و چند روزه، آن چنان که متعارف است، فرا گرفت. در پاسخ به این پرسسش می توان گفت هم آری و هم خیر. خیــر از این جهت که تسلط به این مهارتهای بنیادین نیازمند یک فرآیند عادتسازی مبتنی بر تکرار و تمرین در موریت است و نمینی بر طرور عضر و میرین در گذر زمان است و نمی تسوان آن را در یک دوره فشـرده به افراد تزریق کـرود آری از این روی که هر آموزشـی را نقطه آغازی است و شرکت در کارگاههـای آموزش مهارتهـای زندگی در دارگاههای امورش مهارشدهای زندگی
تمام این مهارشدهای خواکنده شده است تواکن امان مهارشدهای است.
تمام این مهارشدها فقیه بر رویه عادت شده
پیشین گرددامای تعادر حرکم تقعام آغازی
باشد که معدها و آخریل با تموین و تالانی های
تکمیلی نخصی خویش آن را تفاوم پخشیده
و باوا آخری و تسلط نسسی برا سی باوید
براندار پخشین و کیفیت زندگی خویش
براندار پخشین و کیفیت زندگی خویش
در ایماد مختلف را بهجود بخشیند دارگیری و 

افزایی زیست روانی -اجتماعی افراد می تواند

نگاه فرهنگی

مهارتهای بنیادین

دردنیای امروز

, عت و شـــتاب, وزافزون از مشخ

بارز تفاوت زندگی در شرایط امروز با گذشته بوده و توان تطابق با آن یکی از مسائل مهم فرا

ِوی شَهُروندان در این پیوند اُست. دستیابی ین توان تطبیقی و همگامی با روند تغییرات

شتاب اجتماعی، نیازمند تسلط به مهارتهایی است که به موازات نو شدن شتابان جامعه، در حال به روز شدن و تکامل باشند. ازجمله برس به رور سطای و حسان و عسان به روز پیامدهای بحران تطابق مورد اشاره، پیامدهای روانی است که در قالب اضطــراب روزافزون شــبیه نوعی ترس از عقب ماندن یا رفتار انسان

دایما در حال رقابت، بروز و ظهور می یابد. در این بستر اجتماعی، مطالبه گران تجربه آرامش،

شــمار روزافزون یافته و هر یک بــه طریقی در جستوجوی آرامش از دســت رفته خویش بر

می آیند برخی نیز در این میان از طرق غیرعلمی وغیراصولی در صد دستیابی به آرامش، برای رهایی از اضطـراب فراگیر، با پاک کردن صورت

مساله، به مصرف موادم خدر، داروهای روانگردان و مشروبات الکلی روی آورده و قدم در مسیر

ریساروبه است. پیرانگر اعتیاد می گذارند. در کنار عوامل متعدد نخیل در تطابق شهروندان باالزامات و اقتضائات

. هارتهای اساســی و ریز مهارتُهای زندگی

زجمله عوامل مهمی است که در ارتقای توان

ار جیمت موسی مهمی میروندان با این الزامات نقش تطبیقی و تطابق شهروندان با این الزامات نقش زیادی را عهدمدار است. دستیابی به نصابی از کیفیت موثر و مطلوبی از زندگی موثر و مطلوب، نیازمندستیابی به سطوحقابل توجهی از دانش،

گاهی و تسلط به مهارتهای بنیادین زندگی و

ریز مهارتهای وابسته به آن است. دستیابی به این دانش و مهارتها البته ازجمله کار کردهای

یں حسن و مهر صحت بید اور بست کا روست نظام آموزشی مقدماتی هر کشور بوده و انتظار می رود فارغ التحصیلان نظام آموزشی مقدماتی طی دوران تحصیل به فراگیسری مقدمات این

ی کرری امر نایــل آمده و بعدها از طریــق تلاش، تمرین و مطالعــات شــخصی آن را تکمیــل و بــه روز

کنند. متاسفانه در این مورد بهرغم بسیاری نوانمندیها، نقدهایی به نظام آموزشی فعلی

ن کشور مانیز وار داست که مثلایه حای تقویت بیشستر مهارت های اساسسی زند گسی، مهارت

مبور ارمونهای سعده به تحصیل استونید بنابراین آموزش وفراگیری مهارتهای بنیادین و

ریز مهارتهای زندگی چه در بستر آموزشهای رسمی مقدماتی و عالی و چه خارج از آن به عنوان یکی از اولویتهای راهبر دی در کنار سایر عوامل

توانمندی هــای لازم برای عبــور از موانع فراراه یک زندگی موثر در دنیای پرشتاب امروزین یاری رساند مهارت های اساسی زندگی متعددومتنوع

بُوده که در عرف آموزشـــی رایج، از آنها بهُعنوان مهارتهــای هفتگانــه شــامل مهارتهای . خوداً گاهی، ار تباط موثر، تصمیم گیری، مقابله

با اُســـترس، کنترل خُشــم، تفکر خُلاق و حل مسأله یادمیشــود. آموزش، فراگیری و تسلط

شهروندان به این مهارتها و ریز مهارتهای وابسته به هریک از آنهااز چنان اهمیتی برخوردار

هستند که شاید بتوان مهم ترین کار کرد نظام آموزشی مقدماتی را به آنها نسبت داد. فردی را در نظر آورید که بدون تسلط کافی به هریک و یا

ر در رزر ... در بر ... همه این مهارتهابخواهددر جامعه امروزی یک زندگی شخصی، خانوادگی، شغلی و اجتماعی

موفق و اثربخش را مديريت نمايد تصور أن اگر محال نباشــد بسیار دشــوار مینماید. پرسش مهم اینجاســت که آیا مهارتهایی که باید در

بک دوره بلند یا حداقل میان مدت آموزش

۔ فراگرفته میشد را میتوان در یک کارگاه چند

مهم دُخُیسًل، می تواند شهروندان را در

ت در دنیای پرشتاب کنونی، تسلط به

بحيى باز يارى زاده